



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewsaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۲:۱۵ اذان مغرب ۱۷:۳۹ اذان صبح فردا ۵:۴۴ طلوع آفتاب ۷:۱۱

نقد فرهنگ

«کلدن گلوب» مبارک، اما...



روبرت صافاریان

■ ... اما بازتاب این اتفاق مبارک در قشر روشنفکر و تحصیلکرده ایرانی از خصوصیاتی در فرهنگ ایرانی و به‌خصوص فرهنگی روشنفکری ایرانی حکایت می‌کند که چندان جای خوشحالی نیست هيجان و هلهله و به خود تبریک گفتن و از خود متشکر بودن عمومی در این ماجرا از چه حکایت می‌کند؟

از فسادان تقریبا مطلق تفکر انتقادی در برخورد به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی ـ منتقدی می‌نویسد: «چه اشکالی دارد جوگیر شویم» خوب انتظار از روشنفکر (به‌خصوص منتقد) این است که جوگیر نشود، مرعوب اکثریت (اکثریت آن قشر یا گروه اجتماعی خاص) نشود و بتواند به سردی آنچه را بدیهی انگاشته می‌شود، مورد تامل و پرسش قرار دهد. گمانم گفته‌اند که نقد مهم‌ترین خصیصه و کلید تفکر مدرن است. حق داریم از قشر تحصیلکرده انتظار داشته باشیم رفتارشان از رفتار هاداران تیم‌های ورزشی قدری متفاوت باشد ـ از غلبه کامل تک‌صدایی در جبهه موافقان فرهادی ـ تک‌صدایی همه جا ترساک است و همه جا کاذب. نمی‌تواند صداهای دیگری نباشد، اما صدای این صداهای دیگر در نمی‌آید. از ترس ـ از ترس انگ خوردن در فضایی که منطق آرایش غیر فرهنگی غالب می‌شود. منطق یا با منی یا با طرف مقابل. یا طرفدار فرهادی و گلدن گلوب هستی یا طرفدار کسانی که خانه سینما را تعطیل کردند. وسط، برای اندیشیدن، جایی باقی نمی‌ماند. این یعنی تعطیل تفکر در مسایل فرهنگی و اندیشگی، زبان‌اورتر از این آرایش و منطق، چیزی نیست.

از اینکه تقریبا هیچ‌کس ننوشت که شاید این جایزه اینقدر هم مهم نباشد، اینکه مقدمه اسکار است، تا چند سال پیش خود اسکار هم به چیزی گرفته نمی‌شد. صفت‌های اسکاری و هالیوودی، آن وقت هم به نادرست، صفت‌های منفی تلقی می‌شدند. چطور بدون برخورد انتقادی با آن تلقی، حالا بردن هریک از اینها شده است مظهر افتخار ملی.

از اینکه مقدر نیازمند تایید دیگرانیم.

از بذل و بخشش صفات حسنه بدون اندیشیدن به معنای کلمات. یکی‌اش سینمای مستقل هم اسکاری و هم مستقل. اصلا این اصطلاح مستقل با چه منطقی به فیلم «جدایی نادر از سیمین» یا سینمای فرهادی اطلاق می‌شود؟ استقلال اقتصادی؟ این طوری باید نصف فیلم‌های سینمای ایران را مستقل به حساب آورد و بیشتر از همه فیلم‌های بازاری را. استقلال سیکی و گرایش به سینمای اولنگارد و تماشگر خاص؟ که فیلم «جدایی نادر از سیمین» آن هم نیست. بیخشد که مرتب ناچارم توضیح دهم که توجه به تماشگر خاص و فیلم ساختن با سبک غالب سینمای کلاسیک هیچ عیبی ندارد و فیلم «جدایی نادر از سیمین» یک فیلم خوب در این زمینه است و از بسیاری از فیلم‌هایی که اسکار برده‌اند، بهتر است... اما بیاپید هر چیزی را به نام خودش بنامیم.

از اینکه چقدر به شادی نیازمندیم، چقدر به فرصتی نیاز داریم که افتخار کنیم و روحیه بگیریم و به همین سبب ماجرائی که آنقدرها هم مهم نیست، اینقدر مهم می‌شود و درباره‌اش صفارایی می‌کنیم و فرهادی در مجلسی که در اساس یک میهمانی است، برای گرفتن جایزه‌اش آنقدر جدی سر صحنه حاضر می‌شود. میهمانی آنها که برای خوندشان فووش اهمیت اقتصادی دارد و همه در آن راحت و آسوده هستند، برای ما تبدیل می‌شود به موضوعی حساس که باید روی تک‌تک کلماتی که می‌گویی دقت کنی تا مبدا درهای خطا کنی. حاصل کار حضور و حرفه‌هایی است که هرچند در شکل چاپ شده‌اش بهترین برای آن موقعیت است، اما تصویرش از حساسیتی نامتناسب و نوعی انزوا و «جدایی» از جمع حکایت می‌کند.

رویداد

«پذیرایی ساده» در جشنواره برلین

■ خبر آنلاین: فیلم سینمایی «پذیرایی ساده» به کارگردانی ملانی حقیقی در بخش جنسی شصت‌ودومین دوره جشنواره فیلم برلین به نمایش درمی‌آید. برلیناله روز پنجشنبه اسامی ۲۸ فیلم بخش سینما «فورم» Forum (تریبون آزاد) این دوره جشنواره برلین را اعلام کرد که در میان آنها ۲۶ فیلم برای اولین‌بار در دنیا به نمایش درمی‌آیند. «پذیرایی ساده» ملانی حقیقی، یکی از فیلم‌های این بخش است. تارانه علیدوستی، صابر ابر، وحید آقاپور، سعیدی چنگیزیان و خود حقیقی در این فیلم بازی می‌کنند. داستان درباره زن و مردی است که در فضایی سرد، کوهستانی و جنگ‌رده میان مردم پول پخش می‌کنند. «پذیرایی ساده» که چهارمین نتاخته بلند حقیقی است در بخش مسابقه سینمای ایران در سی‌امین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نیز حضور دارد. شصت‌ودومین دوره جشنواره فیلم برلین ۹ تا ۱۹ فوریه ۲۰۱۲ (۲۰ تا ۳۰ بهمن) برگزار می‌شود.

شرق

روزنامه

شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۰ - ۲۷ صفر ۱۴۳۲ - ۲۱ ژانویه ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۴۴۷ - شماره ۵۲۲ دوره جدید - ۱۲ صفحه + ۲۲ صفحه ضمیمه

فلک الافلاک

ورزش از نگاه ۲

شیر، قهرمان جنگل را پاره کرد!

نمی‌رسانند؟ و بالاخره چرا علی کریمی، وحید هاشمیان، مهدی مهدوی کیا، رضا عنایتی، سهراب بختیاری‌زاده و... فوتبال «ما» را راه نمی‌کنند؟

هدف از سؤال اول دست به دست شدن مربیان است یعنی بازنشسته کردن مربیانی که با دلالی ستی در بازار کار مشغول هستند با مربیانی که در خدمت دلال‌های مدرن منتظر ورود به این بازار هستند. موضوع دوم، به بازار وارد کردن مربیانی است که از پشت نیمکت‌های کلاس‌های آموزشی فوتبال تازه برخاسته‌اند و منتظر ورود به بازار کار هستند؛ بازار کار در هر زمینه‌ای در کنار علم، احتیاج به تجربه دارد و تا آنجایی که تجربه می‌تواند کم‌تجربه ترجیح می‌دهد و برکناری علی کریمی، وحید هاشمیان، مهدی مهدوی کیا و... وظیفه من و حسین فرکی و مجید جلالی و نپاوندیان نیست؛ وظیفه همان آهوبچگان و نونهالان و نوجوانان و جوانان و امیدهاست که بیایند و کریمی و هاشمیان و مهدوی کیا و... را با بازده بهتر کنار بزنند؛ ولی در حال حاضر، پدیده‌ها می‌سبند به این دلیل که فوتبال ما سازنده نیست و ما آنها را نمی‌سازیم چون

باشگاه‌های لیگ برتری‌یون پول ساختن آنها را ندارند و یک نفر می‌آوردند که بدون هر بودجه‌ای با گرفتن «بازیکن اسپاسر» تیم‌های پایه‌شان را بسازد؛ اشتباه نیست کنار گذاشتن بازیکن‌های بالارزشی مثل کریمی، هاشمیان، مهدوی کیا و...؟ حداقل با الگو قرار دادن این بازیکن‌ها جوان‌های بی‌سرپرست می‌توانند با یادگیری از راه دور، روزی جای خالی این ستاره‌های بالارش فوتبال کشورمان را پر کنند. ورزش از نگاه دو با مجری متبحرش نپاوندیان در آخر شب شنید، در میزگردی بر این تصمیم بودند که میهمانان‌شان جویده‌ها را یکبار دیگر بچوند و آنچه را گویند که از قبل تعیین شده بود و ما هم نگفیم چون نمی‌خواستیم. فوتبال در سطح بین‌المللی، احتیاج به فکر دارد. مدرنتیه، تفکرستیزی را به فوتبال بین‌المللی هم تزریق کرده است. سرعت و غریزی سخن گفتن جای هرگونه تفکری را گرفته است. فوتبال می‌رود که جنگلی شود نمی‌دائم شیر این جنگل شدن بهتر است یا اعتراف به مسطح بودن کره زمین؟ اگر از من می‌پرسد باید بگویم هیچ کدام! در مدرنتیه بهترین را فقط فکر کردن است و اینکه زمین گرد است.

بهمن فروتن

Bahmanforoutan.blogfa.com



وقتی گالیله اعتراف کرد زمین صاف است و گرد نیست، یکی از شاگردانش گفت: «بدیخت ملتی که قهرمان ندارد» و گالیله جواب داد: «بدیخت ملتی که احتیاج به قهرمان دارد» جالب اینجاست که بالاخره همه دنیا و حتی کلیسای کاتولیک هم متوجه شد که گالیله راست می‌گفته است: زمین گرد بود و هست! بدون هیچ برو و برگرد. مدتی است فوتبال ایران دستخوش هیجانات کاذب شده است؛ وقتی فوتبالی تماشگر نداشت، روزنامه‌خوان هم نخواهد داشت و برای اینکه روزنامه‌نویس، روزنامه‌خوان به وجود آورد آن هم در زمانی که خود فوتبال نیست و دارد محو و نابود می‌شود، باید حاشیه‌نویسی کند تا شاید چند شماری بیشتر از کم به فروش برود. تماشگران فوتبال دنیا، همه و همه در کار تماشگری، حرفه‌ای‌تر از خود حرفه‌ای‌های فوتبال هستند؛ آنها فوتبال را بهتر از آنهايي که بازی می‌کنند و دیگرانی که از این فوتبال بهره می‌برند، نگاه می‌کنند و خوشبختانه عقل این کار را هم فراوان دارند. تماشگر امروز، دیگر «آفتابه لگن هفت دست، شام و نهار هیچی» را نمی‌پذیرد و دنبال خواندن هجویات حاشیه‌های دست‌ساز دور و بر فوتبال نیست. او به عنوان نظاره‌گر، سبب متوجه این جریان نیست. تماشگر برای اینکه فوتبال از بین نرود، مدتی است که سیگنال‌هایی به سوی دیگ می‌فرستد ولی کسی متوجه نیست؛ استادیوم‌های خالی، پایین رفتن تیراز روزنامه‌های ورزشی و خوابیدن‌ها و نگاه نکردن‌های برنامه‌های ۹۰، همه و همه حاکی از هشدار مردم به قورباغه سبزی‌است که سنسورهایش، جوش آمدن آب را حس نمی‌کند.

ورزش از نگاه دو، موضوع‌هایی را مطرح کرده بود که باز کردن آنها و مورد بحث قرار دادن‌شان برای فوتبال می‌توانست بسیار مثرنمر باشد، اگر توسط مجری خوب این برنامه کانالیزه نمی‌شد. چرا یک عده مربی وقتی از این باشگاه‌درمی‌آیند خیلی سریع در باشگاه دیگر مشغول به کار می‌شوند؟ چرا مربیان جوان بیشتر به کار گرفته نمی‌شوند و چرا هیچ‌کدام از آنها نیز کارشان را با موفقیت به سرانجام

برداشت آخر

«جدایی نادر از سیمین» برنده ۳ جایزه منتقدان لندن شد

پیروزی در شهر بارانی

ساسان گلفر: سه جایزه از پنج جایزه انجمن منتقدان لندن که «جدایی نادر از سیمین» نامزدشان شده بود به این فیلم رسید و «جدایی...» به عنوان بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان سال، اصغر فرهادی به‌عنوان بهترین فیلم‌نامه‌نویس سال و ساره بیات به‌عنوان بهترین بازیگر زن نقش مکمل سال از سوی منتقدان شهر بارانی برگزیده شدند. اکنون نوبت به منتقدان اروپایی رسیده است تا تحسین‌های خود را در قالب جوایزی که جمع‌بندی کارنامه یک سال سینمای جهان است، نثار این فیلم ایرانی کنند. تعداد و نوع جوایزی که منتقدان لندن به فیلم فرهادی اختصاص دادند از جوایز محافل نقادی دیگر در شهرهای بزرگ آمریکا و کانادا نیز بیشتر است و این امر احتمال دریافت جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان آکادمی فیلم بریتانیا (بفتا) را بسیار بالاتر برده است. این در حالی است که «جدایی...» به عنوان پر افتخارترین فیلم تاریخ سینمای ایران از لحاظ تعداد و تنوع جوایز و حتی پرافتخارترین فیلم سال ۲۰۱۱ در سراسر جهان، اکنون در آستانه اعلام نامزدهای جایزه اسکار و پس از اعلام فهرست اولیه ۹ نامزد جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان، تقریبا

نگاه

سینماگران، ترور دانشمندان هسته‌ای ایران را محکوم کردند

خبر آنلاین: هنرمندان سینما و نمایش ایران در محکومیت ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان بیانیه‌ای صادر کردند. در این بیانیه که بیش از ۶۰ هنرمند آن را امضا کرده‌اند، آمده است: بنام خداوندگار صلح، زیبایی و عدالت، قلم دانشمندان برتر از خون شهادت. با سلام و درود بی‌پایان به مردمان صلح‌طلب و عدالت‌دوست پهنه گیتی. ما هنرمندان عرصه سینما و نمایش ایران که همواره و در تمامی آثار خود خواستار جهانی زیبا، مسالمت‌آمیز و بر پایه عدالت و برابری هستیم، چندان گاهی است که در پیرامون خود، اخبار ناگوار ترور ناجوانمردانه عزیزان و دانشمندان عرصه علم و فناوری هسته‌ای کشورمان را با تلخی تمام می‌شنویم. لذا بنا به دغدغه همیشگی اجتماعی و هنری به مانند همیشه از قدرت‌جویان و استعمارگرانی که جز به منافع آنی خود با توسل به زور نمی‌اندیشند و نیز تمامی موارد

«آخرین باری که دیدمت» در نگار خانه آتیین

شرق: نمایشگاه گروهی «آخرین باری که دیدمت» با آثاری از ۴۰ هنرمند زیر ۴۰ سال از تاریخ هفتم بهمن به کوشش علیرضاریاحی و نگارخانه آتیین در این نگارخانه برگزار خواهد شد. آثار این نمایشگاه، همگی پرتره‌ها یا سلف پرتره‌هایی هستند که هنرمندان با توجه به موضوع نمایشگاه، طراحی کرده و کشیده‌اند. علاقه‌مندان برای حضور در این نمایشگاه می‌توانند به آدرس خیابان ولیعصر، ضلع جنوبی چهارراه پارکوی، انتهای کوچه تورج، کوچه خاکزاد، پلاک ۴۲ مراجعه کنند.

من که سر در نمی‌آورم

آفرین نادر! آفرین سیمین!

ناهید طباطبایی



■ صبح که خبر را شنیدم کیف کردم. محشر بود. یک فیلم ایرانی از «هفت خان» ایرانی و خارجی گذشت و اول شدا یک فیلم ایرانی در کنار فیلم وودی آلن قرار گرفت و زد جلوا یک فیلم ایرانی همه را مهیوت کرد! از این بهتر نمی‌شود. نمی‌دانم چرا ماشین‌ها بوق نزدند و چراغ‌هایشان را روشن نکردند. سینما هم کمتر از فوتبال طرفدار ندارد، به‌خصوص این فیلم که میزان فروش‌اش نشان‌دهنده تعداد طرفدارانش است. اصغر فرهادی هم از هادی ساعی و رضازاده کم ندارد. لذت اول شدن یک فیلم ایرانی هم کمتر از زکوردنی هیچ رشته ورزشی نیست. اشکال کار به گمانم اینجاست که عادت کرده‌ایم همه چیز را سیاسی ببینیم. اوضاع دوره و زمانه همه را تبدیل کرده به مارگارت تاجر و وینستون چرچیل یا دست‌کم خامل مارلین! نه بابا همه چیز همه سیاسی نیست. فرهنگ و هنر هم قدرت بی‌مانندی دارد. برای همین است که فیلم‌ها و رمان‌ها و سمفونی‌ها و نقاشی‌ها می‌مانند و هر وقت که دوباره می‌روی سراغ‌شان یک چیز تازه پیدا می‌کنی. برای همین است با دیدن هر شاهکاری توی دلت می‌گویی کاش من هم می‌توانستم چنین چیزی خلق کنم. اما هیچ وقت دلت نمی‌خواهد جای کوفی عنان باشی یا جای هنری کیسینجر. ای کاش در هر واقعه‌ای دنبال رد پای سیاست نگردیم و به انسان درون‌مان اجازه بدهیم وقتی اتفاق به این خوبی می‌افتد، مثل کودکی به شگفت بیاید و از خوشی یا بر زمین بکوبد و از خنده غش کند. به خدا این حق ماست. این حق اصغر فرهادی است که برای استعدادش، برای نگاه انسانی‌اش به مسایل انسان و به خاطر تلاشش همه جایزه‌ها را درو کند. این حق هر هنرمند ایرانی است که وقتی در کشوری به این بزرگی، با این جمعیت به موفقیت رسید، گل سربسب جهان بشود. خوشحال باشید که یک روز عنوان تمام مطبوعات از چیزی به جز سیاست و تحریم و ارز و... حرف می‌زند. آفرین بر فرهادی! آفرین بر سیمین! داستانی! آفرین بر ما که شادی کردن را بلدیم!

